

فرصت‌ها و چالش‌های اشتغال زنان از منظر فقه

ساجده العبدالخانی *

چکیده

یکی از عرصه‌های تحول زندگی اجتماعی در عصر جدید، تغییرات و تحولات در زندگی زنان است. این تغییرات و تحولات خود دامنه وسیعی را از تغییر باورها و انگاره‌های اجتماعی درباره زنان تا تغییر نقش‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی در برمی‌گیرد. اشتغال زنان، در میان این تحولات اهمیت و نقش ویژه‌ای دارد.

این نوشتار در راستای تبیین جایگاه اشتغال زن از نظر اسلام، با روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی - تحلیلی، دیدگاه اسلام و فقهای امامیه را در این مسأله بیان کرده است و دلایل قائلین به جواز و عدم جواز اشتغال را بررسی نموده است.

از نظر اسلام، اشتغال زنان با رعایت اصول مانند کاهش اختلاط جنسی و اولویت نقش مادری و همسری و عدم تعارض آن با وظایف خانوادگی زن جایز است و در صورت تعارض، اشتغال زن تأیید نمی‌شود، ولی در غیر این موارد نه تنها منعی برای اشتغال زن نیست بلکه در برخی موارد مشارکت اجتماعی لازم و ضروری دانسته شده است.

واژگان کلیدی

اشتغال، زنان، اسلام، فقه.

*. کارشناسی ارشد فقه خانواده، مدرسه آموزش عالی بنت‌الهدی، SAJIDA.2013@YAHOO.COM

مقدمه

خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که هسته اولیه آن را زن و شوهر تشکیل می‌دهند. از نظر اسلام این نهاد مقدس‌ترین نهاد اجتماعی معرفی شده است و از جمله ارکان جامعه و محور اساسی رشد و اعتلای انسان به‌شمار می‌رود.

اسلام ضمن تعیین وظایف خاص برای زن و مرد، وظیفه مرد را نفقه و امرار معاش خانواده دانسته است و وظیفه اصلی زن را همسررداری و تربیت فرزند می‌داند و اهمیت ویژه‌ای برای پرورش نسل آینده و حفظ بنیان خانواده قائل است. مسئله اشتغال زنان در دو عرصه مطرح می‌شود عرصه خصوصی و فعالیت‌هایی که زنان در داخل خانه برای سامان‌دهی منزل انجام می‌دهند مانند تربیت فرزندان و رسیدگی به امور خانواده، پخت و پز، شست و شو و... و در عرصه عمومی و اجتماعی که از آن به کار بیرون از خانه تعبیر می‌شود. این نوشتار به بررسی اشتغال زنان در خارج از منزل می‌پردازد و رویکرد فقهی این مسأله را بیان می‌کند چراکه موضوع اشتغال زنان در منابع فقهی از جمله در کتاب نکاح و در ضمن حقوق شوهر مطرح شده است.

اهمیت طرح موضوع این نوشتار از آن‌رو است که اشتغال زنان از مسائل مبتلا به و مطرح شده در جامعه می‌باشد. ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی زنان را به تکاپوی اقتصادی و اشتغال کشانیده است. در برخورد با این مسئله دو دیدگاه افراطی و تفریطی وجود دارد، نخست دیدگاه جوامع صنعتی و غربی که با ترغیب زنان به اشتغال در خارج منزل، پیامدهای نامطلوب و غیرقابل جبرانی به نهاد خانواده وارد کرده و به دنبال آن خطر فردگرایی، کم‌رنگ شدن پیوندهای عاطفی و خانوادگی، از هم پاشیدگی خانواده، انحرافات اخلاقی، سوء تربیت فرزندان را همراه می‌آورد و دیگری موضع شرق و برخی جوامع سنتی است که با تأثیرپذیری از عرف و آداب و رسوم نادرست و مغایر با عقل و شرع، زن را درخانه حبس نموده است. این نوشتار در پی تبیین این مطلب است که در سبک زندگی اسلامی، با توجه به نقش مادری زن در جامعه، مواردی که اشتغال زنان ضرورت پیدا می‌کند، بررسی کند. تبیین دیدگاه اسلام که در مسئله اشتغال زنان راه میانی و اعتدال را

برگزیده و اشتغال زنان را مقید به ضوابط و شرایطی نموده که ضرورت نگارش این تحقیق را ایجاد کرده است.

۱) مفهوم اشتغال

الف. اشتغال در لغت

در لغت این واژه به کاری پرداختن، مشغول شدن، به کاری در شدن و به کاری سرگرم بودن است. (دهخدا، ۱۳۳۸: ج ۷، ۲۶۳۲).

ب. اشتغال در اصطلاح

این واژه در فرهنگ‌نامه‌های اقتصادی، به معنی «مجموع مشاغل موجود جامعه که به طور مستقیم و غیر مستقیم در افزایش تولیدات ملی مؤثرند» آمده است. (مدرسی، ۱۳۸۵: ۳۳) برخی از اقتصاددانان قید مزد و پاداش را بر تعریف لغوی اشتغال افزوده و بیان داشته‌اند: «اشتغال مشغول بودن به کاری است که پاداش و مزد در برابر آن وجود داشته باشد». بر اساس این تعریف، مفهوم «اشتغال» محدودتر شده و تنها کارها و فعالیت‌هایی را در برمی‌گیرد که در قبال آن دستمزدی پرداخت شود، اما تلاش‌هایی که مجانی صورت می‌گیرند مثل برخی از کارهای زنان در خانه، مشمول اشتغال نخواهند بود. (دانش، ۱۳۸۹: ۷).

۲) اشتغال از منظر اسلام

از نگاه اسلام، زنان در تأمین اقتصاد خانواده مسئولیتی ندارند و تأمین نیازهای مالی و اقتصادی آنان از وظایف همسر به شمار می‌رود. نفقه زن در ازدواج دائم، بر عهده مرد است. نفقه شامل محل سکونت، خوراک و پوشاک و سایر امور وابسته به آن‌هاست که باید با توجه به زندگی زن و فرزندان و شرایط زمانی و اجتماعی باشد. صداق یا مهریه نیز بر عهده مرد است و زن بر اثر ازدواج مالک آن می‌شود و می‌تواند آن را از همسر خود مطالبه کند.

زن در امور اقتصادی خانواده هیچ مسئولیتی ندارد؛ هرچند درآمد زیادی داشته باشد. مسئولیت اساسی او، همراهی در روابط مناسب در زندگی خانوادگی است. در همین راستا نیز تأکید زیادی بر نقش مادری و همسری زنان صورت گرفته است. روایات زیادی نیز از معصومین علیهم‌السلام وارد شده است و مردان را به تأمین معاش خانواده تشویق می‌کند و اجر و پاداش فراوانی برای آن‌ها قرار می‌دهد. به عنوان نمونه پیامبر ۷ تلاش مردان برای کسب روزی حلال خانواده را معادل جهاد در راه خدا قرار می‌دهد، «الْكَادُ لِعِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱۰۳، ۱۲) درحالی‌که چنین تعبیری در مورد زنان دیده نمی‌شود. به مردان نیز همواره توصیه شده تا در پرداخت نفقه و تأمین مخارج زنان گشاده دست باشند. همچنین در مناسبت‌های ویژه چون اعیاد و یا هنگام بازگشت از سفر، توسعه ویژه برای نفقه آن‌ها قائل گردند.

زنان اگرچه در تأمین هزینه‌های اقتصادی خانواده مسئولیتی ندارند ولی با این حال اشتغال آنان در خارج از منزل منعی نداشته و جایز است. برخی فقیهان با استناد به ادله‌ای، اشتغال زنان در بیرون خانه را در تنافی با همسررداری و تربیت فرزند دانسته و اشتغال زنان را جایز ندانسته‌اند. این ادله اگرچه به طور مستقیم از اشتغال زنان در خارج از خانه نهی نکرده است ولی لازمه آن عدم جواز خروج زن از خانه به جهت اشتغال است.

۳) ادله مخالفان اشتغال زنان

قائلین به عدم جواز اشتغال زنان معتقدند که در منابع دینی اسلام، بر فعالیت زن در خانه، همسررداری و تربیت فرزندان و ریاست مردان بر خانواده، تأکید شده است. پس لازمه کار در خانه، محرومیت این قشر از اشتغال در بیرون از خانه است. آن‌ها برای اثبات نظریه خود دلائلی را بیان می‌کنند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

الف. قرآن کریم

۱.۱. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ

أَمْوَالِهِمْ» (نساء: ۳۴) مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی دیگر قرار داده است و بخاطر انفاق‌هایی که از اموالشان در مورد زنان می‌کنند.

به مقتضای آیه کریمه، مردان ولی و حاکم بر زنان هستند و لازمه این فضیلت و برتری آن است که مرد حق دارد زن را در منزل نگه دارد و مانع خروج وی از منزل گردد (جصاص، ۱۴۰۵: ج ۳، ۱۴۹) و این با اشتغال زن منافات دارد.

برخی قائل‌اند در صورت عدم تأمین هزینه‌های زندگی از سوی شوهر بازهم زن واجب نیست به اشتغال بپردازد

و می‌تواند عقد ازدواج را فسخ کند (قرطبی، ۱۴۰۵: ج ۵، ۱۶۹).

۱.۲. «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب: ۳۳)؛ در

خانه‌هایتان قرار گیرید و زینت خود را به مردان بیگانه ظاهر مسازید مثل جاهلیت پیشین. آیه مبارکه از ظاهر ساختن زینت نهی می‌کند و از آنجا که اشتغال در بیرون از منزل موجب ظاهر شدن زینت زنان می‌شود، لذا اشتغال در بیرون از منزل نهی شده است.

۱.۳. «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ

وَقُلُوبِهِنَّ» (احزاب: ۵۳)؛ هنگامیکه از همسران پیامبر ﷺ چیزی خواستید از پشت حجاب و حایلی از ایشان بخواهید که این کارتان برای دل‌های شما و دل‌های ایشان پاکیزه‌تر است. به رسم رایج در بسیاری از جوامع، هنگام نیاز به بعضی از وسائل زندگی، آن را موقتاً از همسایه به عاریت می‌گیرند، خانه پیامبر ﷺ نیز از این قانون مستثنا نبوده، و همسایگان، گاه و بی‌گاه چیزی از همسران پیامبر ﷺ قرض می‌گرفتند، در این آیه دستور داده شد که از پشت پرده، یا پشت در، وسایل مورد نیاز خود را بگیرند. که لازمه آیه این است که زنان در خانه باشند و در مرآی و منظر مردان قرار نگیرند و از آنجا که معمولاً در اشتغال خارج خانه، زنان در منظر مردان قرار می‌گیرند لذا اشتغال زنان، با آیه کریمه منافات دارد.

ب. روایات

قائلین به عدم جواز اشتغال زنان، افزون بر آیات به شماری از روایات نیز استناد کرده‌اند که به طور مستقیم از اشتغال و سرپرستی زنان نهی کرده است. در اینجا به برخی از روایات اشاره می‌کنیم.

- ۲.۱. پاسخ حضرت زهرا علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله که پرسید: کدام لحظه زن به خدا نزدیک‌تر است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ان ما تكون من ربها ان تلزم قعر بیتها» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۳، ۹۲)؛ لحظه‌ای که زن در پستوی خانه می‌ماند و به شوهرداری و تربیت فرزندان می‌پردازد.
- ۲.۲. از تقسیم‌بندی کارها توسط رسول‌الله صلی الله علیه و آله بین علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام استفاده می‌شود که کارهای خانه را خانم انجام دهد. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله کارهای داخل منزل را به فاطمه علیها السلام و کارهای بیرون را به علی علیه السلام سپرد. حضرت زهرا علیها السلام بعد از این تقسیم‌بندی فرمودند: «فلا يعلم ما داخلنی من السرور الا الله باکفائی رسول الله صلی الله علیه و آله تحمل رقاب الرجال» (دشتی و همکاران، ۱۳۷۲: ۱۶۸)؛ خدا می‌داند که چه اندازه خوشحال شدم؛ زیرا رسول خدا ۷ مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است باز داشت.
- ۲.۳. فرمایش امام علی علیه السلام خطاب به عایشه: «اما بعد فانک خرجت غاصبة لله و لرسوله تطلبین امرای کان عنک موضوعا، ما بال النساء و الحرب و الاصلاح بین الناس. تطلبین بدم عثمان فاتی الله و ارجعی الی بیتک» (حسینی طهرانی، ۱۳۶۶: ۱۰۹)؛ خارج شدی و خدا و رسولش را به خشم واداشتی. به انجام عملی مبادرت کردی که خداوند آن را از تو نخواست است. زنان را با جنگ و اصلاح بین مردم چه کار؟ خونخواهی عثمان را می‌خواهی؟ قسم به جان خودم آنکه تو را در معرض این بلا قرار داد و بر نافرمانی خداوند وادارت کرد گناهش باید نزد تو بزرگ‌تر از گناه قاتل عثمان باشد. پس از خدا بترس و به خانه‌ات برگرد.
- ۲.۴. قالت فاطمه علیها السلام: «خیر النساء ان لا یرین الرجال و لا یراهن الرجال» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰۱، ۳۶)؛ برای زنان بهتر این است که مردان را نبینند و مردان هم آن‌ها را نبینند.

و در روایت طویل جابر جعفی از امام باقر (ع) آمده است: «فیما اوصی صلی الله علیه وآله وسلم علیاً یا علیّ لیس علی النساء جمعة و لا جماعة و لا اذان و لا اقامة.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۸۱، باب ۳۵، ح ۱۳، ۱۱۵) این دستور از طرف شارع در حالی است که نماز در مسجد و اقامه نماز جماعت و جمعه فضیلت بسیاری دارد با وجود این همه تأکید بر رفتن به مسجد و اقامه نماز جماعت و جمعه و ثواب فراوانی که بر آن‌ها مترتب است، ولی شارع به زن دستور داده که از حضور در این موارد صرف نظر کند. این مطلب به خوبی نگرش شارع نسبت به حضور زن در اجتماع را تبیین می‌کند و واضح است که اشتغال زن در خارج از خانه مهم‌تر از مسجد رفتن و اقامه نماز جمعه و جماعت نیست مگر در موارد اضطرار که حرمت آن برداشته می‌شود همانطور که بقیه محرمات نیز این چنین می‌باشند.

علاوه بر آیات و روایات متعدّد که کار زن را در خانه مطلوب و سنت شمرده، فقههای بزرگی همچون صاحب عروة، بر حبس زن در خانه فتوا داده‌اند: «یستحبّ حبس المرأة فی البیت فلا تخرج الاّ لضرورة و لا یدخل علیه احد من الرجال» (یزدی، ۱۳۶۶: ج ۵، ۴۸۳)؛ حبس زن در خانه مستحب است، پس زن به بیرون خانه نرود، مگر در وقت ضرورت و مرد اجنبی و بیگانه بر او وارد نشود.

لازمه این ادله آن است که زن شاغل نباشد، وگرنه این ادله، دلالت مستقیم بر عدم اشتغال زنان ندارند. افزون بر این در خانه ماندن به معنای بیکار نشستن نیست بلکه کار خانه آنقدر سرگرم‌کننده است که در عمل زن را در خانه نگه می‌دارد؛ مانند تربیت فرزندان و آشپزی و دیگر اموری که زن در خانه انجام می‌دهد.

۴) ادله موافقان اشتغال زنان

در برابر دیدگاه نخست، موافقان اشتغال زن، افزون بر پاسخگویی به دلایل مخالفان، به تبیین مستقل جواز اشتغال زن در بیرون از خانه پرداخته‌اند که در این نوشتار به توضیح اجمالی دلایل نقضی و حلی (اثباتی) پرداخته شده است.

الف. دلایل نقضی

۱-۱. ادله نقضی آیات قرآن

ادله موافقان اشتغال زنان در نقض آیات قرآنی که مخالفان اشتغال زنان به آن‌ها استناد کرده بودند، عبارت است از:

۱-۱-۱. برتری مرد، نافی حق اشتغال زن نیست

ریاست مردان بر خانواده به دلیل برتری و تأمین هزینه‌های زندگی و سرپرستی امور خانواده «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...» نافی اشتغال زنان نیست.

به گفته علامه طباطبایی قیومیت مرد بر زن به این معنی نیست که اراده و تصرف زن نسبت به ملکش نافذ نباشد یا آنکه زن در حفظ حقوق فردی و اجتماعی خود مستقل نباشد، بلکه معنایش این است که مرد به دلیل این که در مقابل استمتاع از زن، انفاق مالی می‌کند، بر زن واجب است که از او هنگام حضورش در هرآنچه، مربوط به کامجویی جنسی و بهره‌مندی زناشویی باشد، اطاعت نماید و در غیابش به او خیانت نکند. (طباطبایی، ۱۳۴۰ق: ج ۴، ۳۴۳) ایشان سنت نبوی را شاهی بر درستی این تفسیر دانسته و می‌فرماید از سنت نبوی بر می‌آید که زنان، از هیچ‌گونه حق فردی و اجتماعی منع نشده و می‌توانستند فعالیت‌های مختلف اجتماعی اعم از اقتصادی و فرهنگی داشته باشند. (طباطبایی، ۱۳۴۰ق: ج ۴، ۳۴۶).

شیخ طوسی نیز در ارتباط با این آیه می‌گوید: «آیه به این معناست که مردان متکفل و عهده‌دار حقوق زنان هستند؛ حقوقی که به نفع آنان به عهده مردان است. (طوسی، ۱۳۸۷ق: ج ۴، ۳۲۴).

مطلب دیگر اینکه، ریاست مردان در خانواده به معنای سروری و برتری نیست، بلکه مردان مسئول حفظ مصالح خانواده، انجام وظایف خانوادگی و صیانت از حریم خانواده هستند. خداوند دلیل این ریاست را دو امر دانسته است:

- برتری ای که خداوند به آن‌ها داده است «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» (نساء: ۳۴) و «لِلرِّجَالِ عَلَىٰ نِسَاءٍ دَرَجَةٌ» (بقره: ۲۲۸).

- وجوب نفقه بر آن‌ها «بِمَا انْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء: ۳۴)؛ یعنی نوع مردان - و نه تک تک آن‌ها - با نوع زنان تفاوت‌هایی دارند که اقتضا می‌کند، مرد ریاست خانواده را بر عهده داشته باشد. از سوی دیگر وظیفه سنگین اداره مالی خانواده بر عهده شوهر است و این نیز عامل دیگری برای ریاست مرد در خانواده می‌باشد. باید توجه داشت که زن در قبال مشکلات اقتصادی خانواده و هزینه‌های آن هیچ‌گونه مسئولیتی ندارد، هر چند از نظر اخلاقی پسندیده است که در این امر مشارکت کند.

از سوی دیگر عبارت «بِمَا انْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» به دلیل آنکه مردان از اموالشان خرج می‌کنند، ناظر به واقعیت خارجی نیست، بلکه به ظرف اعتبارات شارع و صفحه قانون شرع توجه دارد؛ یعنی به این معنا نیست که چون در حال حاضر مردان هزینه زنان و خانواده را می‌پردازند، ریاست دارند؛ که اگر روزی روال تغییر کرد و زنان چنین امری را به عهده گرفتند، ریاست از آن‌ان باشد، بلکه به این معناست که چون تأمین هزینه بر آنها واجب است و در قانون شرع آن‌ها مسئول این امر هستند، از دیدگاه شرع ریاست از آن‌ان است. همچنین باید توجه کرد که عبارت «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» و بما انفقوا من اموالهم، زیرا خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و زیرا از اموالشان خرج می‌کنند» علت ریاست مردان را بیان می‌کند، نه حوزه این ریاست را؛ یعنی مفهوم آن چنین نیست که مردان تنها در امور اقتصادی خانواده ریاست دارند.

با استناد به آیات ۳۴ سوره نساء و ۲۲۸ سوره بقره، گرچه برای مردان درجه و فضیلتی نسبت به زنان ثابت می‌شود، لکن این موجب نفی اشتغال زنان نمی‌شود. منظور از «فضل» در آیه ۳۴ سوره نساء و «درجه» در آیه ۲۲۸ سوره بقره برتری مردان بر زنان به حسب طبع و ذات آنان است؛ زیرا مردان از نظر قدرت تعقل و تفکر بر زنان برتری دارند و بر همین اساس، تکالیف آن‌ها نیز از تکالیف زنان متفاوت است و کارهای سخت و طاقت فرسا به عهده مردان قرار داده شده است (طباطبائی، ۱۳۴۰ق: ج ۴، ۳۴۰؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق: ج ۳، ۱۲۵).

فضل به این معنا، مانع اشتغال زنان نمی‌باشد؛ زیرا اشتغال زنان در اموری که با وضعیت جسمی و روحی آنان تناسب داشته باشد، منعی ندارد و موجب برتری آن‌ها بر مردان نمی‌شود؛ چراکه در هر حال، اصل برتری به لحاظ طبع و ذات در مردان وجود دارد؛ چه زنان اشتغال داشته باشند و چه نداشته باشند.

۱-۲. تسلط مرد بر همسر خویش

آیه ۳۴ سوره «نساء» تنها بر تسلط مرد بر همسر خویش دلالت دارد و دایره شمول آن محدود به زندگی خانوادگی است. زیرا اولاً، شأن نزول آیه در ارتباط با مسائل خانوادگی است؛ ثانیاً، سیاق آیه مورد نظر نیز مربوط به زندگی خانوادگی و زناشویی است و سخن از تسلط مرد بر همسرش در قبال فعالیت‌هایی است که برای او انجام می‌دهد؛ زیرا انفاق بر زن از آن جهت که زن است تنها در محیط خانوادگی و از سوی شوهر صورت می‌گیرد و هر دو علت قوامیت که در آیه آمده، یعنی «بما فضل الله بعضهم علی بعض» و «بما انفقوا من اموالهم» با هم اساس حکم بر قوام بودن مرد است و عمومیت این علت که سبب تسلط مردان بر همه زنان در تمام امور می‌شود امری ناپسند است؛ زیرا از لحاظ شرعی مردان خارج از دایره زناشویی فقط در دو مورد بر زنان سیطره دارند: یکی حاکمیت و دیگری قضاوت، که هیچ کدام مانع اشتغال زنان نمی‌باشد. (طباطبائی، ۱۳۴۰ق: ج ۴، ۳۴۸).

۱-۳. برتری مرد فقط در ارث است

برخی معتقدند که «فضیلت» در آیه ۳۴ سوره نساء، هر فضیلتی را شامل نمی‌شود، بلکه منظور، برتری مردان در برخورداری از ارث است. مؤید این نظر آن است که در آیات قبل، سخن از ارث و چگونگی تقسیم آن است و آیه بعد نیز در مورد ارث می‌باشد. (قرطبی، ۱۴۰۵ق: ج ۵، ۱۶۹).

برخی از مفسران در شأن نزول این آیه می‌گویند: در جاهلیت زنان ارث نمی‌بردند؛ وقتی اسلام سهم ارث آنان را معین کرد گفتند: کاش سهم ما مثل سهم مردان باشد. سپس آیه مذکور نازل شد. (قرطبی، ۱۴۰۵ق: ج ۵، ۱۶۲).

بنابراین، آیه اشاره به برتری خاصی دارد و با استناد به آن نمی‌توان هر برتری از جمله اشتغال زنان را نفی کرد.

۲-۱. ادله نقضی روایات

موافقان اشتغال زن، به تحلیل و بررسی روایاتی که مخالفان اشتغال زن به آن‌ها تمسک کرده‌اند، پرداخته که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. روایاتی که بیانگر لزوم خانه نشینی زنان است با توجه به شرایط فرهنگی جامعه آن روز بیان شده است. شرایطی که زن در آن هیچ ارزش اجتماعی نداشت و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام به تدریج ارزش اجتماعی زنان را به آن‌ها اعطا کردند و ممکن نبود که در آن زمان، معصومین علیهم السلام بر حضور پر شور زنان در جامعه تأکید کنند و اگر این کار را می‌کردند مورد پذیرش قرار نمی‌گرفت و لذا نمی‌توان در عصر حاضر به این روایات استناد کرد، پس با اجراء اصل برائت، جواز اشتغال زنان اثبات می‌شود.

از آنجا که مرد رئیس خانواده و ریاست مستلزم وجوب اطاعت از طرف مقابل است، باید دید حوزه لزوم اطاعت مرد در خانواده تا چه حد می‌باشد. علامه طباطبایی یک مورد را بیان فرمودند و آن کامجویی بود که زن باید از مرد اطاعت کند. به این مطلب در روایات متعددی تصریح شده است. حق دیگری که مرد بر زن خود دارد و روایات فراوان با سندهای معتبر بر آن دلالت می‌کند، این است که اگر مرد، مانع خروج زن شود، باید اطاعت نماید، بلکه خروج زن از خانه مشروط به اجازه شوهر است.

همچنین در پاسخ به استناد روایاتی که از فاطمه زهرا علیها السلام نقل شده، معتقدند: اینها دلالت می‌کنند که در صورت وجود کار در خانه و غیرخانه، زن کار در خانه را ترجیح دهد. در خصوص روایاتی که می‌فرمودند مردی زن را نبیند...؛ این لزوماً بر ماندن در خانه و کار در خانه دلالت نمی‌کند؛ چون ممکن است زنی بیرون از خانه کار کند (شاغل) ولی در محل کار او، هیچ مردی نباشد؛ مثلاً در بیمارستانی که همه پرسنل و ارباب رجوع آن خانم‌ها پس این ادله بر عدم اشتغال دلالتی ندارد.

۲. جریان عتاب حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عایشه نیز به عنوان یک قضیه حقیقیه مطرح نیست، بلکه تقریباً نظیر قضیه شخصیّه یا قضیه خارجیّه است. (جوادی آملی، ۱۳۷۱: ۳۲۴) همه این جریان‌ها به بعد از جنگ جمل مربوط می‌شود که عایشه علیه امیرالمؤمنین (علیه السلام) خروج کرد و به غارت بیت‌المال بصره و کشتار مسلمانان اقدام نمود. پس این روایت هر خروجی را محکوم نمی‌کند، بلکه به خروج خاصی که به قصد فساد صورت می‌گیرد، محدود می‌کند و به اشتغال زنان مربوط نمی‌شود.

در خصوص روایت «لیس علی النساء جمعة و لا جماعة»، «این محرومیت‌ها در حدّ رخصت است نه عزیمت؛ یعنی الزام از زن گرفته شده، نه اینکه حقّ شرکت در جمعه و جماعت را ندارد.» (جوادی آملی، همان) به تعبیر دیگر، شرکت نکردن اینها در نماز جمعه و جماعت عتاب ندارد، نه اینکه شرکت کردنشان ثواب نداشته باشد.

ب. دلایل اثباتی

پس از رد ادله مخالفان اشتغال، دلایل اثباتی قائلین به جواز اشتغال زنان مورد بررسی قرار می‌گیرد. این دلایل به شرح ذیل است:

۱-۲. قرآن کریم

با نگاهی به آیات قرآن کریم می‌توان دریافت که اشتغال فی‌نفسه برای زنان ممنوع نگردیده است. بسیاری از اطلاعات و عموماً و دلالت‌های قرآن کریم نشان می‌دهد که زنان می‌توانند در فعالیت‌های اقتصادی جامعه مشارکت داشته و به کسب و کار بپردازند: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء: ۳۲)؛ مردان را از آنچه به [اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است.

کلمه «اکتساب» عمل اختیاری و غیراختیاری را شامل می‌شود، (طباطبائی، ۱۳۴۰ق: ج ۴، ۵۳۴) گرچه دانشمندان علم لغت درباره واژه «کسب» و «اکتساب» گفته‌اند که هر دو مختص جایی هستند که عمل به اختیار آدمی انجام شود. (همان).

در هر صورت، واژه «اكتساب» عمل اختیاری را شامل می‌شود که در اینجا مورد نظر است.

آیه کریمه به دلالت التزامی بر جواز اشتغال زنان دلالت دارد؛ زیرا حلال بودن اکتساب یعنی تحصیل درآمد - مفروض گرفته شده و سپس درباره درآمد حاصل از آن اظهار نظر شده است. (هادوی تهرانی، ۱۳۷۶: ۱۰۱).

پس اگر زن و یا مرد از راه کار کردن چیزی به دست آورند خاص خودشان است. آیه دیگری که با اطلاق خود، بر جواز اشتغال زنان دلالت دارد آیه ذیل است: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (جمعه: ۱۰) (هنگامیکه نماز پایان یافت در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید و خدا را بسیار یاد کنید؛ شاید رستگار شوید) این آیه بر جواز کار زنان دلالت دارد؛ چنان که در تفسیر نمونه آمده است:

گرچه جمله «وابتغوا من فضل الله» و یا تعبیرات مشابه آن در قرآن، شاید غالباً به معنای طلب روزی و کسب و تجارت آمده است، ولی روشن است که مفهوم این جمله گسترده است و کسب و کار یکی از مصادیق آن است. امر به انتشار در روی زمین و طلب روزی امر وجوبی نیست، بلکه - به اصطلاح - امر بعد از حظر و نهی است و دلیل بر جواز می‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ج ۲۴، ۱۲۷-۱۲۸) خطاب در آیه عام است و شامل مرد و زن می‌شود.

در آیه ۶ سوره طلاق به صراحت به شغل دایگی اشاره شده است. «... فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتُّوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَأَتَمِّرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاسَرْتُمْ فَسَرِّضْ لَهُ أُخْرَى» (طلاق: ۶)... پس اگر نوزادان شما را شیر دادند مزدشان را بدهید و (درباره نوزاد) میان خود به نیکی مشورت و توافق کنید و اگر توافق به دشواری کشید، زن دیگری او را شیر دهد و مرد برای نوزاد دایه بگیرد.

قرآن کریم در آیه کریمه خطاب به مردانی که زن خود را طلاق داده‌اند و کودک شیرخوار دارند و مادر کودک حاضر است به آن شیر دهد، امر کرده که اگر زنان به فرزندان شما شیر دادند، مزد آنان را بدهید. سپس در دنباله آیه می‌فرماید: و اگر به توافق نرسیدید،

زن دیگری شیر دادن او را به عهده می‌گیرد. مفسران در معنای آیه گفته‌اند: اگر زن و مرد در شیر دادن به کودک با هم به توافق نرسیدند، به این صورت که یا زن حاضر نیست به کودک شیر بدهد و یا اجرتی بیش از معمول می‌خواهد، در اینصورت، بر پدر کودک لازم است برای تغذیه کودک، دایه بگیرد تا طفل آسیب نبیند. (طبرسی، بی‌تا: ج ۱۰، ۴۸؛ طباطبایی، ۱۳۴۰ق: ج ۱۹، ۳۱۷؛ ابن جوزی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۴۵؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق: ج ۱۸، ۱۶۹؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۱۰، ۳۷).

دایگی و شیر دادن به کودکانی که مادرانشان شیر نداشتند یا از دنیا رفته بودند در زمان‌های گذشته، میان زنان معمول بوده، چنانکه حلیمه سعیدیه و چند تن از زنان دیگر، برای همین کار به مکه آمدند. (یوسفی‌غروی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۲۲۲).

دایه‌ها در برابر خدمتی که ارائه می‌کردند و به کودک شیر می‌دادند مزد دریافت می‌کردند. قرآن نه تنها از این کار نهی نکرده و مزدی را که در مقابل این عمل گرفته می‌شود اکل مال به باطل ندانسته، بلکه خود به پدران بچه‌ها امر کرده است، در صورتی که برای شیر دادن با مادر کودک به توافق نرسیدید، دایه بگیرید. بنابراین، دایگی نیز می‌تواند به عنوان یکی از اشتغالاتی باشد که ویژه زنان است و قرآن به آن اشاره کرده است.

در جای دیگر، خداوند در بیان آیات سوره قصص، به خوبی کیفیت حضور زنان در اجتماع و برخورد با مردان بیگانه را تشریح کرده است. آنجا که از دختران حضرت شعیب علیه السلام نام برده که به کار چوپانی اشتغال داشته و به علت کهنوت سن پدر، جایگزین او در کار نگهداری از گوسفندان شده و برای سیراب نمودن گوسفندان خود همواره تا پایان کار دیگر چوپانان صبر می‌کردند و سپس به گوسفندان خود آب می‌دادند. (قصص: ۲۳).

۲-۲. سنت

همچنین از دیدگاه موافقان اشتغال، سیره و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بر جواز آن دلالت دارد زیرا اشتغال زنان در عصر رسالت به شکل گسترده به چشم می‌خورد و نه تنها

پیامبر ﷺ آن‌ها را منع نمی‌کرد؛ بلکه در مواردی آن‌ها را نیز راهنمایی می‌نمود. حضرت خدیجه رضی الله عنها که از زنان بزرگوار و برگزیده است، خود تاجری ثروتمند بود که به تجارت می‌پرداخت و پیامبر ﷺ نیز برای مدتی از جانب ایشان به تجارت مشغول بود و اسلام از آن منع نکرده است.

«حولاء»، زنی عطر فروش بود که پیامبر ﷺ او را موعظه می‌کرد به اینکه جنس سالم و با قیمت مناسب به مردم بفروشد و هرگز در جنس خود تقلب روا مدارد؛ زیرا حضرت معامله سالم را، پاک‌تر و سبب خیر و برکت می‌داند. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ۱۵۱) و روایتی مشابه از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که زنی به نام زینب عطاره نزد زنان پیامبر اکرم ﷺ آمد. پیامبر ﷺ وارد خانه شد و او را نزد همسرانش دید. به وی فرمود: منزل ما را خوشبو کردی. زینب عرض کرد منزل به بوی شما معطرتر است. پس از این سخنان، پیامبر ﷺ برخی از آداب و احکام خرید و فروش را برای وی بیان فرمودند. (همان) «سمراء»، دختر نهیک، هم از کسانی که متصدی امر به معروف و نهی از منکر در بازار بوده و جزء محتسبین (مأموران انتظامی) به حساب می‌آمد. (طبرانی، بی‌تا: ج ۲۴، ۳۱۱).

همچنین در جنگ‌های پیامبر ﷺ همواره عده‌ای از زنان حاضر بودند که به آبرسانی و پرستاری از زخمی‌ها می‌پرداختند؛ مانند «لیلی غفاری» که بارها در میدان‌های نبرد حضور یافت و از بیماران و مجروحان جنگی پرستاری و آنان را مداوا و معالجه کرد. (محلاتی، ۱۳۶۹: ج ۵، ۵۹۵).

«ام عطیه» و «ام سلمه» نیز در غزوات متعددی شرکت داشتند و از مجروحان پرستاری می‌کردند. (طباطبایی، ۱۳۴۰ق: ج ۴، ۶۹).

روایات نیز بر جواز اشتغال زنان دلالت دارد؛ چنان‌که رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «طلب الحلال فریضة علی کل مسلم و مسلمة» روشن است که طلب مال حلال ظهور در کسب و کار دارد و بیانگر جواز اشتغال زن در دوران پیامبر خدا ﷺ است.

در گزارش دیگری آمده است که «رَخَّصَ رسول الله، فی خروج النساء العواتق العیدین للتعرض الرزق»؛ که رسول خدا ﷺ به زنان جوان اجازه دادند تا در مراسم عید فطر و قربان [از منازل خود] خارج شوند و برای تهیه روزی، بساط بگسترانند . (طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ۲۸۷).

جریان شخصی که کنیز او زندگی خود را از طریق نوحه خوانی تأمین می‌کند از امام صادق (ع) در مورد جایز بودن شغل نوحه خوانی سؤال می‌کند حضرت می‌فرماید آیا برای اجرت شرط می‌کند یا نه؟ آن شخص می‌گوید: به خدا قسم، نمی‌دانم شرط می‌کند یا نه. حضرت فرمود: به آن زن بگو شرط نکن و هرچه دادند قبول کن. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ۵۱).

و روایتی مشابه از امیرالمؤمنین (ع) نیز، نقل شده است که به ام حسن نخیعه فرمود حلال‌ترین کسب‌ها بافندگی است، امام نه تنها او را از این حرفه منع نکرد، بلکه با این جمله که «بافندگی حلال‌ترین کسب است» وی را بر ادامه اشتغال به این حرفه تشویق کرد. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ۱۵۱) بنابراین، اشتغال زنان به حرفه‌هایی که از نظر اسلام حلال شمرده شده، مجاز، بلکه مطلوب است.

و همچنین براساس روایتی از امام صادق (ع) رسول خدا ﷺ در برخورد با یکی از زنانی که به آرایشگری بانوان اشتغال داشت، به وی فرمود: آیا شغلت را رها کرده‌ای یا بر آن باقی هستی؟ زن عرض کرد، بر شغلم باقی هستم و ادامه می‌دهم، مگر آنکه مرا از آن نهی کنی تا کنار بگذارم. حضرت نه تنها او را از آن کار منع نکرد، بلکه اجازه فرمود به کارش ادامه دهد و او را به برخی از آداب آرایشگری راهنمایی فرمود. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ۱۵۱).

در خصوص شغل قابله‌گری زنان، از آنجا که صاحب وسایل، بابتی بنام باب کراهت نکاح با قابله در کتاب وسائل الشیعه آورده است (حرعاملی، ۱۴۱۶ق: ج ۲۰، ۵۰۰) معلوم می‌شود اصل شغل قابله‌گری که در عصر رسالت متداول و مرسوم بوده از نظر اسلام پذیرفته شده و در لسان روایات منعی بر آن وارد نشده است.

سیره و نوع رفتار پیامبر ﷺ و ائمه معصومان علیهم السلام با اشتغال زنان در عصر خود، به صراحت گویای جواز کار زنان است و جواز بسیاری از کارها برای زنان امضاء شده است. (طباطبایی، ۱۳۴۰ق: ج ۴، ۵۴۹).

۵) ضوابط و محدودیت‌های اشتغال زنان از نظر اسلام

در نظام حقوقی اسلام، بر اساس مصالح جامعه اسلامی، حفظ بنیان و اساس خانواده، مصلحت زنان و سایر مصالح اسلامی و عقلایی، محدودیت‌ها و ضوابطی برای اشتغال زنان در نظر گرفته شده است تا از آن طریق، مصالح مهم‌تر و اساسی‌تر حفظ و اهدافی که برای خانواده و جامعه اسلامی ترسیم شده، محقق و عملی گردد. در این میان، بر مصالح خانوادگی و حیثیت و کرامت زن تأکید و بر حفظ آن اصرار شده است. در قوانین نیز محدودیت و ضوابطی برای کار زنان، در زمینه حفظ مصالح خانوادگی و حیثیت زن و شوهر وضع شده‌اند:

الف. خروج از منزل با اذن شوهر

در صورتی که کار زنان مستلزم خروج از منزل باشد، لازم است که با اذن شوهر باشد. بیشتر فقها قایلند که زن بدون اذن شوهر جایز نیست از منزل خارج شود. برخی از فقها این نظر را دارند که مانعی نیست زن بدون اذن شوهر از منزل بیرون رود، به شرط آنکه حق شوهر در روابط جنسی ضایع نشود. (فضل‌الله، ۱۳۸۲: ۶۵) پس در مورد رفتن زن خارج از منزل با هدف کار، نظر اکثریت فقها این است که اذن شوهر لازم است.

حضرت امام خمینی (ره) خروج از منزل را بدون اذن شوهر جایز نمی‌داند و یکی از حقوق زوج را بر زوجه، عدم خروج از منزل بدون اذن شوهر می‌داند. (خمینی، ۱۳۷۹: ۲۸۸-۲۸۹).

از دیگر فقهای معاصر، آیه‌الله خوئی، عدم جواز خروج زوجه از خانه بدون اذن شوهر را منوط به عدم منافات داشتن آن با حق استمتاع شوهر دانسته، هرچند احتیاط را در عدم خروج به طور مطلق می‌داند. «لا يجوز للزوجة ان تخرج من بيتها بغير اذن زوجها فيما

اذا كان خروجها منافيا لحق الاستمتاع بل مطلقا على الاحوط». (خوئی، ۱۳۷۹: ج ۲، ۲۱).

چون ریاست خانواده به عهده مرد است، از باب مدیریت خانواده، إذن مرد شرط شده است. اما از سوی دیگر، مرد حق ندارد بدون دلیل از اشتغال زن جلوگیری کند و لازم است که مرد در صورت عدم مفسده و مصلحت بالاتر، به زن اجازه کار دهد. مرد حق ندارد زن را در حبس ابد نگه دارد و این کار با قاعده «امساک به معروف و معاشرت به معروف»، که از دیدگاه قرآن کریم باید بر زندگی زنashویی حاکم باشد، سازگاری ندارد. (فضل الله، ۱۳۸۲: ۱۱۱).

ب. عدم اختلاط و رعایت حجاب از سوی زنان

در اسلام، برای مصالح جامعه و امنیت زنان، برخی شرایط برای حضور زن در جامعه در نظر گرفته شده است که رعایت آن‌ها در محیط کار نیز الزامی است. از جمله این شرایط، رعایت حجاب است. مبنای حجاب این است که التذاذ جنسی باید در محیط خانه و به همسر مشروع اختصاص یابد و محیط کار نه برای تفریح بلکه فقط برای کار و فعالیت باشد. از سوی دیگر، حجاب نه تنها نیروی کار زن را فلج نمی‌کند، بلکه موجب تقویت نیروی کار اجتماع نیز می‌شود (مطهری، ۱۳۷۹: ج ۱۹، ۴۵۸).

از دیگر شرایط، عدم اختلاط و رعایت حریم است که عدم رعایت آن، خطر شکستن حصار عفاف و پاک‌دامنی را در پی دارد. شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد: «سنت جاری مسلمین از زمان رسول خدا ﷺ همین بوده است (نه حبس و نه اختلاط)، که زنان از شرکت در مجالس نهی نمی‌شدند؛ ولی همواره اصل حریم رعایت می‌شده است.» (مطهری، ۱۳۷۹: ۵۵۰-۵۵۱).

با رعایت حریم، هم حرمت و کرامت زنان حفظ می‌شود و هم به کار آنان لطمه وارد نمی‌گردد. از این رو، رعایت عفت عمومی بر زنان و مردان لازم است؛ چنان که حضرت امام (ره) می‌فرماید: «امروز خانم‌ها وظایف اجتماعی خودشان را و وظایف دینی خودشان را

باید رعایت کنند و عفت عمومی را حفظ کنند و روی آن عفت عمومی، کارهای اجتماعی و سیاسی انجام دهند.» (خمینی، ۱۳۸۱: ج ۸، ۲۲۶).

نتیجه

در یک نگاه کلی، اسلام به کار زنان با شرایطی که برای آن مقرر شده، مخالف نیست، اما در تعارض میان کار زنان و ارزش‌های مهم و بنیادی‌تر، دیدگاه اسلام درباره اشتغال زنان متفاوت و ناظر به رسالت‌های همسری و مادری او و ارزش‌های بنیادین و اساسی صیانت و حمایت از زن در خانواده و اجتماع است. از این رو مهم‌ترین رسالت زنان متدین، پرورش و تربیت سالم فرزندان است که نقش آن در جامعه ظاهر می‌شود اگر افراد یک جامعه در درون خانواده درست تربیت شوند جامعه مترقی، سعادتمند، خلاق و سالم خواهد بود و این مسئله فقط در دامن خانواده سالم اتفاق می‌افتد. زنان مسلمان، باید محیط خانه را بسیار حساس بدانند و با فضاسازی خانه با نام و یاد خداوند متعال و ائمه عصمت علیهم‌السلام از آن به عنوان کارخانه آدم‌سازی و دانشگاه تربیت منتظران ظهور استفاده کنند. بنابراین از نظر اسلام، حضور زن در خانه اولویت دارد، اما اگر مشاغلی، مختص زنان و یا منحصر در زنان باشد، مانند پرستاری، پزشکی متخصص زنان و زایمان، مامایی و معلمی در مدارس دخترانه، اشتغال زنان نه تنها مستحب، بلکه در برخی مصادیق آن، واجب می‌شود و نوعی حالت اضطرار برای اشتغال زن در جامعه اسلامی ایجاد می‌کند. کما اینکه نظر مراجع در مراجعه زن به دکتر مرد در مواردی که مستلزم لمس و نگاه محرم باشد از باب ضرورت مراجعت را جایز دانسته (محمودی، ۱۳۹۲: ج ۱، ۱۸۳) یعنی بدون ضرورت و در حالت عادی مراجعه زن به دکتر مرد، با وجود دکتر زن حرام می‌باشد. شرایط دیگری که می‌تواند ضرورت اشتغال زنان را موجب شود، عدم تناسب درآمد شاغلین مرد با مخارج خانواده در شرایط خاص اقتصادی است. زیرا در برخی از دوره‌های زمانی، مردان قادر نیستند به تنهایی تمامی مخارج خانواده را برای برخورداری از یک سطح متوسط از زندگی تأمین کنند و زن، در چنین شرایطی، به ناچار می‌بایست در اقتصاد خانواده مشارکت فعال داشته باشد.

بخشی دیگری از زنانی که ضرورتاً وارد عرصه اقتصاد می‌شوند در خانواده‌های بدسرپرست یا بی‌سرپرست زندگی می‌کنند. در این خانواده‌ها، فوت یا عدم مسئولیت‌پذیریِ مرد، زن را با چالش‌های اقتصادی متعددی روبه‌رو می‌کند. در چنین شرایطی، زن مسئولیت کامل زندگی را به عهده گرفته و به ناچار اشتغال برای او ضرورت پیدا می‌کند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت: دارالکتاب العربیه، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- تهرانی هادوی، مهدی، *ضوابط شرعی اشتغال زنان*، مجله پیام حوزه، ش ۱۴، تابستان ۱۳۷۶.
- پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه*، تهران: جاویدان، ۱۳۶۰.
- جوادی آملی، عبدالله، *فلسفه حقوق بشر*، قم: اسراء، ۱۳۷۵.
- جصاص، احمد بن علی، *احکام القرآن*، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ هـ.ق.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، *تفسیر نمونه*، دارالکتب اسلامی، چ بیست- و یکم، تهران: ۱۳۸۳.
- حسینی طهرانی، محمدحسین، *رساله بدیعه*، تهران: صدرا، ۱۳۶۶.
- حرّعاملی، محمد بن حسن بن علی، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، ۳۰ جلد، چ سوم، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ هـ.ق.
- حکیم پور، محمد، *حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد*، چ دوم، تهران: نغمه نواندیش، ۱۳۸۴.
- خمینی، روح الله، *تحریر الوسیله*، چ سوم، قم: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹.
- _____، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.
- _____، *صحیفه نور*، چ دوم، قم: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱.
- خویی، ابوالقاسم، *منهاج الصالحین*، قم: مدینه العلم، ۱۳۷۹.
- دانش، اسماعیل، *آثار تربیتی و روانشناختی کار*، فصلنامه علمی پژوهشی بلاغ، سال سیزدهم، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۸۹.
- دشتی، محمد، *نهج الحیاه*، تهران: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۲.

- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
- سعیدزاده، محمد، مشاغل زنان در عصر رسالت، مجله پیام زن، ش ۳۸، اردیبهشت ۱۳۷۴.
- شکوری، ابوالفضل، زن و مسأله پوشش و نگاه، ایران: کتابشناسی ملی ۸۴-۳۲۴۳۵، ۱۳۸۴ ه.ش.
- طباطبائی، محمدحسین، المیزان، قم: اسلامی، ۱۳۴۰.
- طباطبائی یزدی، محمد کاظم، عروة الوثقی، چ دوم، قم: میثم التمار، ۱۳۶۶.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، القاهرة: مکتبه ابن تیمیه، بی تا.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الأمالی، چ سوم، تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ ه.ق.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چ چهارم، ۱۴۰۷ ه.ق.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ه.ق.
- فضل الله، محمدحسین، دنیای زن، چ چهارم، تهران: دفتر نشر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۲.
- _____، زن و جستاری تازه، چ سوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
- قرطبی، محمد بن احمد انصاری، تفسیر قرطبی، چ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ه.ق.
- کیانمهر، محمدولی، تأثیر اشتغال زنان بر خانواده، مجله کار و جامعه، ش ۲۳، آذر و دی ۱۳۷۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب ابوجعفر، الکافی، ۸ جلد، چ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ه.ق.

— محلاتی، ذبیح‌الله، ریاحین الشریعه در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه، تهران: دارالکتب اسلامی، ۱۳۶۹.

— محمودی، محسن، مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، علمی و فرهنگی صاحب‌الزمان علیه السلام، چاپ دوازدهم، ورامین: ۱۳۹۲.

— مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر الأخبار الأئمة الأطهار، ۳۳ جلد، چ دوم، بیروت: مؤسسه‌الوفاء، ۱۴۰۳ هـ.ق.

— مدرسی، منصور، فرهنگ توصیفی واژگان برنامه‌ریزی و توسعه، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، چ اول، ۱۳۸۵.

— مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۹ نظام حقوق زن در اسلام، قم: صدرا، ۱۳۷۹.

— یوسفی‌غروی، محمدهادی، تاریخ تحقیقی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام- خمینی (ره)، ۱۳۸۲.